

مطالعه و بررسی بنای تاریخی امامزاده عقیل (یاسوکند بیجار)

مریم محمدی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر جواد نیستانی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر علیرضا هژبری‌نوبری

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

(از ص ۲۲۱ تا ۲۳۷)

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۱۵

چکیده:

استان کردستان از مناطقی است که در طی سده‌های نخستین اسلامی اطلاعات اندکی از آن در دست داریم و به تبع در خصوص معماری و بناهای تاریخی و نادر این دوره نیز شناخت کافی وجود ندارد. در چنین وضعیتی بنای تاریخی امامزاده عقیل می‌تواند اطلاعات ذی‌قیمتی فراهم آورد. این بنا در میان محوطه باستانی بزرگی از دوره سلجوقی و ایلخانی قرار گرفته و با توجه به سبک‌شناسی معماری و داده‌های باستان‌شناسی، از ساخته‌های ارزشمند دوره سلجوقی و قرن ۶ هجری به شمار می‌آید و با بناهای گنبد علویان همدان، گنبد سرخ مراغه و بقعه پیر تاکستان قابل مقایسه بوده و علی‌رغم آسیب‌های زیادی که متحمل شده، از نظر ساخت و بویژه تزیینات آجرکاری و کتیبه‌نگاری، حائز کمال اهمیت است. در خصوص صاحب مدفن اطلاعات مستندی در دست نیست، با این حال، این احتمال وجود دارد که علی‌رغم انتساب آن به امامزاده عقیل، همانند نمونه‌های مشابه و هم‌زمان، آرامگاه یکی از حکام محلی بوده باشد.

واژه‌های کلیدی: معماری اسلامی، معماری آرامگاهی، کردستان، حسن‌آباد یاسوکند، امامزاده عقیل.

مقدمه

در خصوص سابقه تاریخی استان کردستان، در مقایسه با سایر مناطق ایران، اطلاعات اندکی در دست است. این وضعیت بویژه در سده‌های نخستین اسلامی نمود بیشتری دارد. سیاحان، مورخان و جغرافیانویسان سده‌های نخست اسلامی، کمتر به این منطقه اشاره کرده و اطلاعات اندکی ارائه داده‌اند. کردستان در سده‌های نخستین اسلامی بخشی از ایالت جبال بوده و ظاهراً در قرن ۶ هجری، سلطان سنجر سلجوقی قسمت غربی این ایالت را جدا کرده و آنرا کردستان نامیده است. کردستان در این زمان بسیار آباد و پر رونق بوده و شهر بهار (در مجاورت شهر همدان) مرکز حکومتی آن بوده است. حمدالله مستوفی در قرن ۸ هجری از چهار شهر دیگر و مهم این ناحیه یعنی؛ الانی، الیستر، خفیان و دربیل نام می‌برد (لسترنج، ۱۳۶۴: ۲۰۵-۲۰۴) که متأسفانه جایابی دقیق آنها در حال حاضر امکان‌پذیر نیست.

با توجه به مطالب گفته شده مطالعه جغرافیای تاریخی منطقه در سده‌های نخستین اسلامی با مشکلات زیادی همراه است و در فقدان اطلاعات پایه، بررسی تاریخی در خصوص بناهای برجای مانده نیز با مشکلات بیشتری همراه خواهد شد. با این حال در این مقاله تلاش خواهیم کرد با تکیه به داده‌های باستان‌شناسی و مطالعات تطبیقی، به مطالعه و بررسی بنای امامزاده عقیل یاسوکنند بپردازیم. این پژوهش همچنین اطلاعات ارزشمندی پیرامون بناهای آرامگاهی مشابه غرب ایران، فراهم می‌سازد.^۱

موقعیت جغرافیایی:

بنای امامزاده عقیل در مجاورت شهر کنونی حسن‌آباد یاسوکنند و ۷۵ کیلومتری شهرستان بیجار (از توابع استان کردستان) و ۹۲ کیلومتری جنوب غربی شهرستان زنجان واقع شده است (شکل ش ۱). حسن‌آباد یاسوکنند^۲ با ۱۶۶۰ متر ارتفاع از سطح دریا، جزء مناطق سردسیر کوهستانی به شمار می‌رود و حداکثر درجه حرارت آن به ۳۵ درجه و حداقل آن به ۲۲- درجه می‌رسد. مهمترین کانال ارتباطی منطقه، جاده مهم و ارتباطی زنجان- بیجار است که از ۱۸ کیلومتری غرب یاسوکنند می‌گذرد.

موقعیت بنا:

بنای امامزاده در غرب شهر یاسوکنند و در میان محوطه وسیع تاریخی که امروزه حدود ۲۵ هکتار از وسعت آن باقیمانده، قرار دارد (شکل ش ۲). این محوطه از غرب و شرق به وسیله دره‌هایی که رودخانه‌های فصلی در آن جریان دارند، محدود گردیده است. از قسمت شمالی و جنوبی محوطه مذکور، راه‌های بین روستایی عبور می‌کند. این راه‌ها یاسوکنند را با روستاهای اطراف مرتبط می‌سازد. در قسمت غرب محوطه مورد نظر محوطه دیگری قرار دارد که به «کوره‌کندی» (روستای کوره) معروف است (بیگ‌محمدپور، ۱۳۸۴: ۴). محوطه تاریخی

۱. اساس مقاله حاضر در جریان مطالعه میدانی تابستان ۱۳۸۸ شکل گرفت.

۲. به طول جغرافیایی ۴۷ درجه و ۴۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۷ دقیقه

امامزاده عقیل با توجه به آثار موجود به نظر می‌رسد بقایای شهر یا قصبه‌ای از دوره سلجوقی و ایلخانی است که بخشی از آن، بعد از ساخت امامزاده بعنوان قبرستان ساکنان محل انتخاب شده و این استفاده تا دوره اخیر تداوم یافته است. قدیمی‌ترین تاریخ قرائت شده بر روی سنگ‌قبرهای موجود سال ۶۳۱ هجری و تاریخ‌های بعدی ۷۳۱ و ۸۳۱ هجری قمری است (نیکزاد، ذات‌اله و عیسی اسفنجاری، ۱۳۸۴: ۴۸۷).



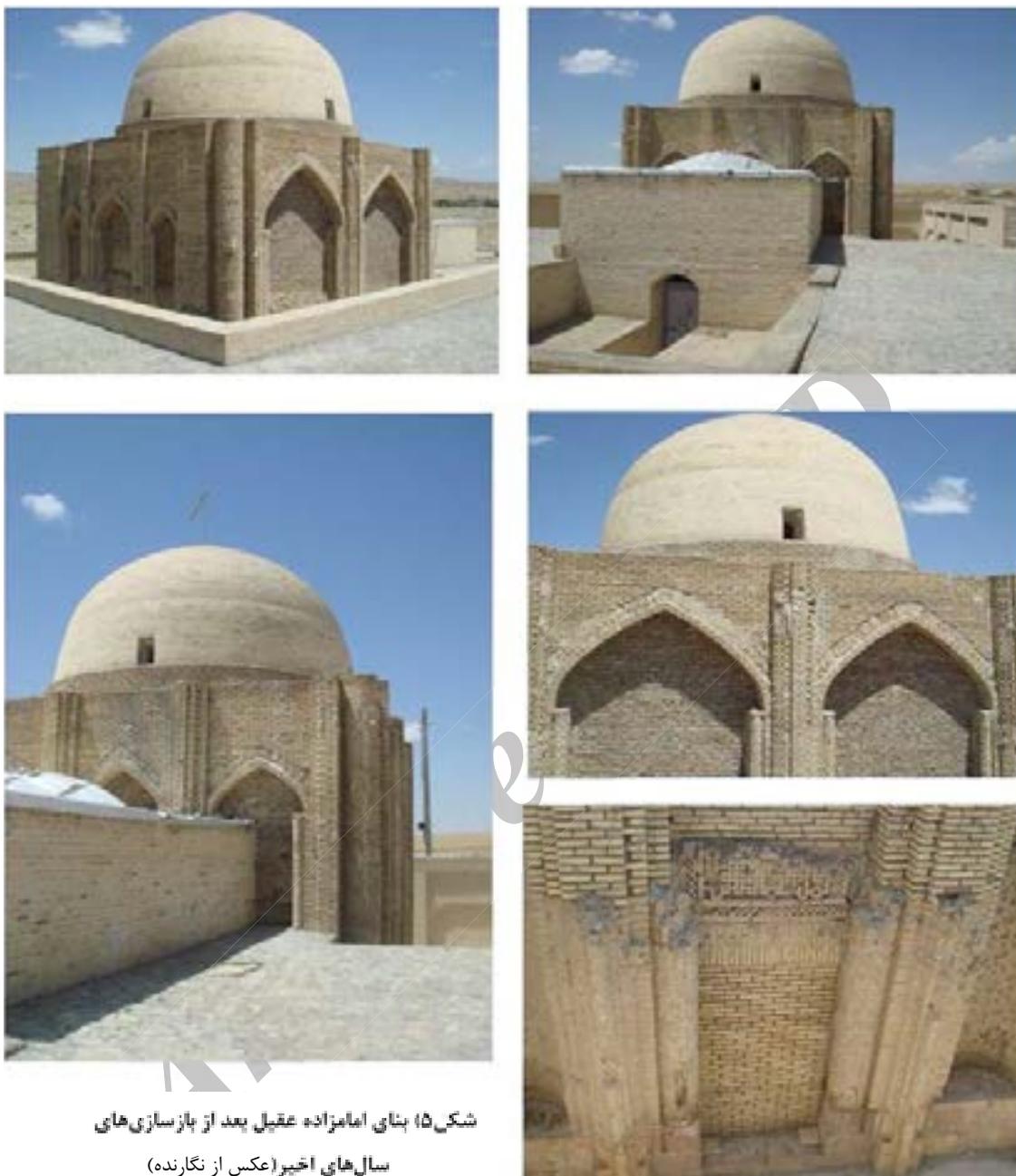
پیشینه مطالعاتی:

متاسفانه در متون تاریخی هیچ اشاره‌ای به این بنا نشده و اطلاعاتی در خصوص صاحب مدفن و ساختمان آرامگاه نیامده است. ظاهراً اولین بار هیات باستان‌شناسی آلمانی، به رهبری والفرام کلایس در سال ۱۹۷۱ از این محل بازدید کرده و ضمن مطالعه بنا (شکل ش ۴)، کاوش‌هایی در پیرامون آن انجام دادند (گزارشهای باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۵۴: ۴۵-۲۴۴). در سال ۱۳۶۹ و برای دفع رطوبت از بنا، سازمان میراث فرهنگی کردستان پیرامون بنا را به عرض بیش از یک و عمق ۳/۵ متر خاکبرداری کرد که این امر منجر به کشف بدنه اصلی بنا و تزیینات آجرکاری آن شد. متاسفانه پس از انجام خاکبرداری، تزیینات طاقنماهای آجری ضلع جنوبی که بیرون از خاک قرار داشت، فرو ریخت و از میان رفت (نیکزاد، ذات‌اله و عیسی اسفنجاری، ۱۳۸۴: ۴۹۱). بعد از این تاریخ عیسی اسفنجاری کناری در قالب پایان‌نامه کارشناسی به مطالعه بنای امامزاده پرداخته و خلاصه کار خود را در قالب مقاله‌ای در جلد نخست مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران منتشر کرد (همان). در سال ۱۳۸۴ مهدی بیگ‌محمدپور از طرف سازمان میراث فرهنگی در قالب یک فصل در مجاورت بنای امامزاده به کاوش پرداخت (بیگ‌محمدپور، ۱۳۸۴). همچنین در سال‌های اخیر سازمان میراث فرهنگی استان به تعمیر و مرمت و بازسازی بنا اقدام کرده است^۱ (زارعی، ۱۳۸۵: ۱۴۳؛ شکل ش ۵).



شکل ۴، نقشه و تصاویر تهیه شده توسط هیات آلمانی در سال ۱۹۷۱ (گزارشهای باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۵۴)

۱. بنای امامزاده عقیل به شماره 1331 در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.



شکل ۱۵: بنای امامزاده عقیل بعد از بازسازی های
سال های اخیر (عکس از نگارنده)

بنای امامزاده عقیل:

برخلاف دوره ساسانی، معماری آرامگاهی در دوره اسلامی گسترش بسیاری یافت و آرامگاهها بعد از مساجد به مهمترین و شاخص ترین بناهای هر شهر و روستا تبدیل شدند. مطالعه این دسته از بناها علاوه بر اطلاعات معماری و هنری، اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با ساختارهای مذهبی، فرهنگی، سیاسی و منطقه ای

فراهم می‌آورد. بنای امامزاده عقیل در این راستا قابل مطالعه و نتیجه‌گیری است. در ادامه ضمن معرفی ویژگی‌های معماری این بنا، به مقایسه، تاریخ‌گذاری و نتیجه‌گیری از آن خواهیم پرداخت.

ویژگیهای معماری

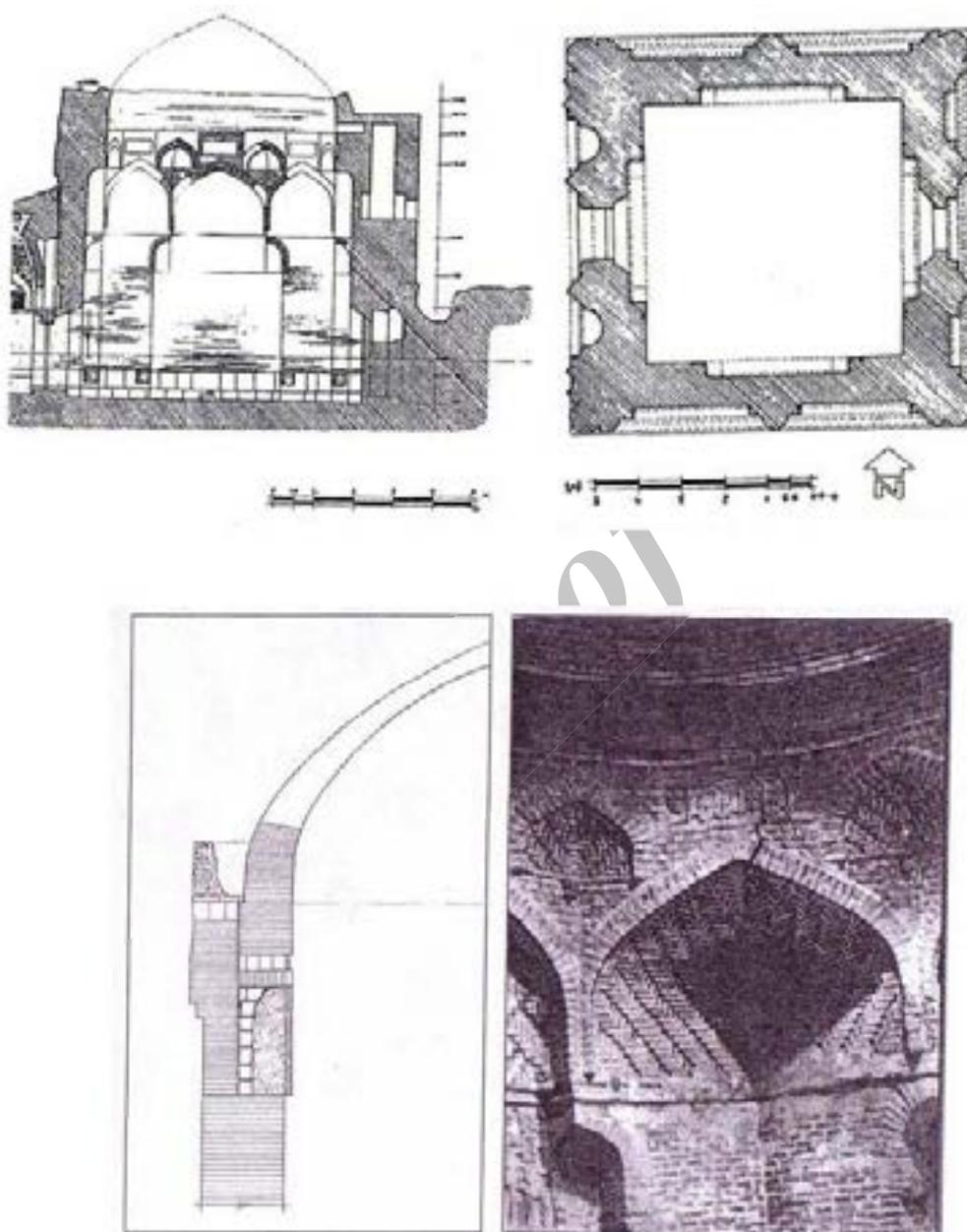
نقشه:

بنای اصلی امامزاده عقیل با طرح تقریباً مربع شکل، به ابعاد خارجی $۹/۲۵ \times ۹/۳۳$ متر و ابعاد داخلی $۵/۹۵ \times ۶$ متر (در منابع اختلاف‌های اندکی در این ابعاد دیده می‌شود) و با پوشش گنبدی ساخته شده (شکل ش ۴ و ۷) ارتفاع دیواره بازسازی شده بنا به $۸/۵$ متر بالغ می‌شود. با توجه به این نقشه، بنا در قالب گونه «چهارگوش گنبددار» قرار می‌گیرد که این گونه بیشتر بعد از برآمدن سلجوقیان در ایران متداول شده و در دوره‌های بعد به شکل مسلط آرامگاه‌سازی تبدیل شده و تداوم پیدا کرده است (هیلم‌براند، ۱۳۷۹: ۳۵۷-۳۴۹). نمای بیرونی بنا با ستون‌نماها و طاقنماهایی نماسازی شده است که البته بازسازی‌ها و دخل و تصرف‌های صورت گرفته، نمای اصلی بنا را (بویژه در نیمه فوقانی بنا) تا حدود زیادی دگرگون کرده است. قسمت‌هایی از بنا که سابق بر این در زیر رسوبات دفن بوده، صورت اصلی بنا را نشان می‌دهد (شکل ش ۵ و ۹). همچنین رسوبات و لایه‌گذاری‌هایی که در طی چندین قرن بر روی سطح تپه تشکیل شده، موجب شده تا کف فضای داخلی بنا امروزه بسیار پایین‌تر از سطح تپه قرار گیرد (شکل ش ۳). حداکثر ضخامت دیواره آجری بنا ۱۶۵ و حداقل آن در بخش‌های فرورفته، ۱۰۵ سانتیمتر است (نیکزاد، ذات‌اله و عیسی اسفنجاری، ۱۳۸۴: ۵۰۸).

بنا دارای دو درگاه در اضلاع شرقی و غربی است. درگاه غربی بنا در گذشته مسدود شده (شکل ش ۶) و درگاه شرقی به تنها ورودی بنا تبدیل شده است. بناهای قابل مقایسه در منطقه (گنبد علویان، گنبد سرخ و بقعه پیر تاکستان) یک درگاه بیشتر ندارند^۱، با این حال استفاده از درگاه‌های متعدد، از همان ابتدای شکل‌گیری گونه چهارگوش گنبددار، متداول بوده که نمونه شاخص آن آرامگاه امیر اسماعیل سامانی است که به تاثیر چهارطاقی‌های ساسانی، دارای چهار درگاه یا بازشور در اضلاع چهارگانه است (هیلم‌براند، ۱۳۷۹: ۳۴۹). وجود تزیینات و نماسازی ویژه در نمای غربی بنا، این احتمال را قوت می‌بخشد که درگاه غربی که بعدها و بدلیل نامشخصی مسدود شده، ورودی اصلی بنا بوده است. این ورودی که ۱۱۰ سانتی‌متر عرض دارد، امروزه به جانب باغات و مزارع و مخالف جهت شهر حسن‌آباد یاسوکند، نگاه می‌کند. شاید یکی از دلایل مسدود شدن این درگاه و استفاده از درگاه شرقی که روبروی آبادی کنونی قرار دارد، جهت درگاه غربی بوده است.

۱. هر چند بیشتر نمونه‌های قابل مقایسه یک درگاه بیشتر ندارند، اما از همین دوره می‌توان حقاری پیدا کرد که ۲، ۳ و با حتی چهار درگاه با بازشور دارند. از جمله این نمونه‌ها برج حقیرمای اوشقون بابا در کنار روستای علی‌شاه شهرستان بیجار است که به غیر از درگاه اصلی دارای سه بازشور در سه ضلع دیگر است. این بنا نیز به قرن ۶ و دوره سلجوقی منسوب است (آثار تاریخی در پناه قانون: ۱۳۶۱: ۲۱۱). مورد دیگر کافر گنبد روستای نایق، از توابع شهرستان قزوین است که ظاهراً در اصل ۱ ورودی داشته که یکی از آنها مسدود شده است. این بنا نیز به قرن ۶ و ۷ هجری منسوب است (ورجواند، ۱۳۱۳: ۱۵۳-۱۵۵).

درگاه شرقی به عرض ۹۰ سانتی‌متر، طرحی ساده دارد و احتمالاً بعد از انتقال استقرار اصلی به محل کنونی شهر، به ورودی اصلی بنا تبدیل شده است.



شکل ۸) گوشه‌سازی و شیوه برپایی گنبد امامزاده عقیل (نیک‌زاد و اسفنجاری، ۱۳۸۴)

پوشش:

بنای اصلی و قدیمی امامزاده با پوشش گنبدی مسقف شده بود که متأسفانه این پوشش به غیر از قسمتی از پاکار گنبد، در گذشته ویران شده است. در دهه چهل، به همت اهالی گنبد مخروطی شکل و ساده‌ای بر روی بنا بر پا می‌شود (شکل ش ۴). بعد از ویرانی این پوشش، سازمان میراث فرهنگی گنبد جدیدی جایگزین آن می‌کند (شکل ش ۵).

در بنای امامزاده عقیل برای برپایی گنبد، با گوشه‌سازی، طرح مربع ابتدا به هشت ضلعی و سپس ۱۶ ضلعی تبدیل شده و گنبد بر بالای این بخش قرار گرفته است. فضای داخلی بطور کلی از چهار تویزه باربر که بر چهارپایه‌های نسبتاً قطوری می‌نشیند تشکیل شده و گوشه‌سازی تبدیل طرح مربع به هشت ضلعی را به انجام رسانده و در پایان شانزده ضلعی بالایی زمینه را برای سوار شدن گنبد فراهم آورده است. گرچه پاکار گنبد آجری در بخش‌هایی، از بیرون هم قابل تشخیص است، اما به دلیل ویرانی زیاد بخش فوقانی و بیرونی بنا، نمی‌توان فهمید که آیا گنبد به صورت معمول اجرا شده یا اینکه با حجم دیگری مانند منشور هشت‌ضلعی، ساقه مدور یا عناصر دیگری همراه بوده است (نیکزاد، ذات‌اله و عیسی اسفنجاری، ۱۳۸۴: ۹۵-۴۹۴). ضخامت دیواره گنبد در پاکار ۶۵ سانتی‌متر است اما به جهت تخریب گنبد اصلی در خصوص شکل و ارتفاع اصلی آن اطلاعی در دست نیست. آنچه که مسلم است اینکه گنبد بنا از نوع تک‌پوش آجری (شکل ش ۸) بوده و روزنی در قسمت شانه داشته است (همان: ۹-۵۰۸).

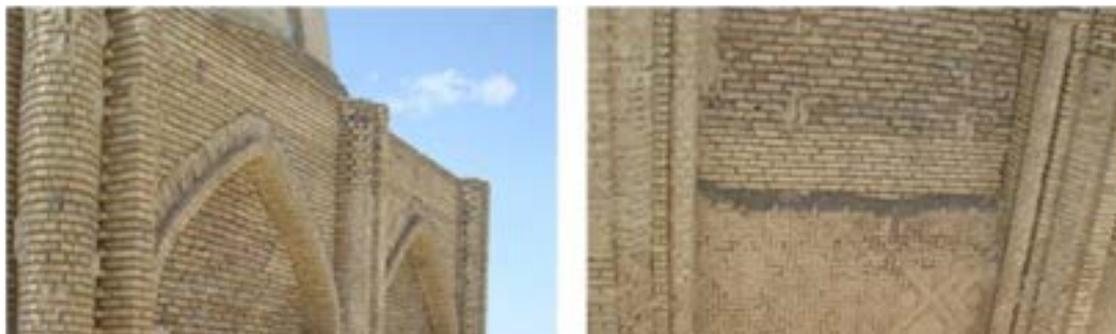
تزئینات بنا:

سطوح داخلی و بیرونی امامزاده عقیل، به شیوه زیبا و متنوعی با آجرکاری، کتیبه‌نگاری و مقدار اندکی حجاری، مزین شده است. نمای بیرونی بنا با استفاده از ستون‌نماها و طاقنماها ناماسازی شده و سطوح این ستون‌نماها و طاقنماها در اصل با آجرکاری زیبا و کتیبه‌هایی مزین می‌شده که امروزه قسمت کمی از آنها برجای مانده است (شکل ش ۹). در حال حاضر، عمده تزئینات موجود در ضلع غربی بنا برجای مانده است. در این ضلع که دارای درگاهی با نمای تزئینی است و احتمال می‌رود نما و ورودی اصلی بنا باشد، تزئینات زیبایی آجرکای و کتیبه‌نگاری کار شده است (شکل ش ۶ و ۹). کتیبه تاریخی و احتمالی بنا از میان رفته است.

«اضلاع شمالی و جنوبی نما تقسیمات دو قسمتی دارد و اضلاع شرقی و غربی (به دلیل تعبیه درگاه) به سه قسمت تقسیم شده که هر بخش را قابی با طاقنمایی پوشیده از آجرکاری در دورن آن تشکیل می‌دهد. چهار گوشه بیرونی بنا با نیم‌ستونی به قطر ۸۰ سانتی‌متر گرد شده که نقوش آجری آن را دور می‌زند. بدنه غربی با نمای متفاوت و متنوع‌تری به لحاظ عناصر شکلی و تزئینی طراحی شده؛ از جمله استفاده از طاقنمای تو رفته نیم‌دایره در دو طرف و کتیبه‌ای که از پای بنا در یک سمت ورودی آغاز و با ایجاد قابی در سوی دیگر ختم می‌شود. بر بالای هر کدام از طاقنماها در داخل تقسیمات قاب اصلی، فرورفتگی کشیده‌ای نیز وجود دارد

که به نظر می‌رسد می‌توانسته جای کتیبه باشد» (همان: ۴۹۵). متأسفانه بخش عمده کتیبه ضلع غربی بنا که به خط کوفی و بر روی آجر کار شده بود، با تخریب بدنه بنا از بین رفته است. ابتدای این کتیبه از روی ازاره سنگی بنا در جانب جنوبی شروع شده و بعد از اینکه بصورت قابی نما را مزین می‌کرده، در جانب دیگر به پایان می‌رسیده است. انتهای این کتیبه در جانب شمالی نما تا روی ازاره سنگی ادامه نیافته است (هر چند جای کتیبه در این ازاره تعبیه شده است). از این رو و با توجه به شواهد دیگر احتمال دارد طرح اولیه تزیینات بنا بدلایلی بطور کامل اجرا نشده و یا در اجرای آن مشکلاتی رخ داده است. امروزه از مفاد این کتیبه تنها می‌توان عبارات «بسم‌الله الرحمن الرحیم» را در جانب جنوبی تشخیص داد. بقیه قسمت کتیبه بکلی تخریب شده است.

ستون‌نماهای گوشه‌ها که بخش ازاره آنها از سنگ تراشیده و قسمت‌های بالایی با آجر ساخته شده (شکل ۹)، دارای تزیینات زیبای آجرکاری بوده که بخشهای زیادی از این تزیینات از میان رفته است. بدنه شمالی و جنوبی بنا دارای طاقنماهای تزیینی، با آجرکاری ظریف به شکل هندسی است که با تخریب بدنه بنا، عمده آنها از میان رفته است. در بدنه شرقی بنا تزیینات آجرکاری زیبایی وجود دارد اما با ایجاد فضای الحاقی در دوره‌های بعدی، بخش عظیمی از این تزیینات پوشیده شده که به احتمال زیاد سالم‌ترین قسمت بنا نیز همین بخش است (بیگ‌محمدپور، ۱۳۸۴: ۶). آجرچینی و آجرکاری سطوح مختلف بیرونی، علی‌رغم تخریب بخشهای زیادی از آن، بسیار استادانه و جالب توجه است. نقش‌مایه‌های هندسی بکار رفته (در این آجرکاریها) از چنان تنوع و فراوانی برخوردارند که در هیچ یک از قابها طرح مشابهی نمی‌توان یافت. نقش‌مایه‌های بکار رفته که شامل گره‌چینی‌های زیبایی است، بصورت نقوش چلیپا، شش‌ضلعی، پنج‌ضلعی، ستاره، لوزی، شطرنجی، محرابی، عمودی و افقی‌های خفته و راسته طرح‌اندازی شده است. آجرها به صورت ریشه‌دار همراه با ساخت دیواره‌ها ساخته شده‌اند. فقط آجرهایی که در ابعاد کوچک در نقوش جای داده شده‌اند، بر سطحی از ملات گچ بکار رفته‌اند. آجرها بصورت و ابعاد قالبی، تراش خورده در اندازه‌های کوچک به شکل مربع، مستطیل یا پنج‌ضلعی دیده می‌شوند. در برخی موارد آجر را بصورت نقش پایه مورد نظر تراشیده و استفاده کرده‌اند. نقش‌مایه‌های آجری در بخش بیرون نیز در موارد مورد نیاز با نقوش ظریف گچی همراه شده‌اند (نیکزاد، ذات‌اله و عیسی اسفنجاری، ۱۳۸۴: ۵۰۶).



Archive of SID

نمای داخلی بنا نیز با طاقنماسازی، آجرکاری و کتیبه‌نگاری تزیین و نماسازی شده است (شکل ش ۴ و ۸). در اینجا و در زیر گنبد، هشت کتیبه به خط کوفی در داخل هشت قاب مستطیل شکل (به ابعاد هر کدام ۹۰×۳۵ سانتی‌متر) تعبیه شده‌اند (همان: ۵۰۱). محتوای این کتیبه‌های گچبری شده، آیات قرآنی است. آجرکاری و آجرچینی سطوح داخلی بنا به اشکال هندسی و به نسبت ساده‌تر است. در اینجا همچنین از بندکشی تزیینی جهت تزیین بیشتر نمای داخلی استفاده شده است.

مصالح مورد استفاده:

پی بنا به ضخامت ۲ و ارتفاع ۱ متر با سنگ و آهک ساخته شده و بر روی آن ازاره بنا به ارتفاع ۸۰ سانتی‌متر، با دو ردیف از سنگهای تراشیده از نوع ماسه‌ای قرمز و زرد رنگ و سپس دیواره و پوشش بنا با آجرهایی به ابعاد $۱۹ \times ۱۹ \times ۴/۵$ سانتی‌متر قرار گرفته است (بیگ‌محمدپور: ۵؛ گزارشهای باستان‌شناسی در ایران: ۲۴۵).

الحاقات بنا:

در دوره ایلخانی و یا به احتمال کمتر صفویه، اتاقی مستطیل شکل به ابعاد داخلی $۵/۴۰ \times ۵/۶۰$ متر، به ضلع شرقی بنا افزوده می‌شود (شکل ش ۴). این بخش پوشش طاق و تویزه داشته که بعد از ویرانی با پوشش ساده تیرچوبی مسقف می‌شود. بقایای پوشش اصلی هنوز در قسمت فوقانی دیوارها قابل مشاهده است. در ضلع شرقی همین قسمت و در دوره‌های متاخرتر و بعد از انباشت رسوبات در پیرامون بنا، فضای حقیرانه و ایوان ماندی به ابعاد $۶/۵ \times ۴$ با پوشش تیرچوبی ساخته می‌شود که سطح کف آن به جهت رسوبات بالاتر از کف دو قسمت قبلی بوده است. به نظر می‌رسد در همین دوره و با فاصله کمی در جانب شرقی، یک فضای محقر و مستطیل شکل دیگری ساخته شده است. در ضمن مرمت و تعمیرات اساسی امامزاده، الحاقات دوره متاخر جمع‌آوری شده‌اند.

هویت صاحب مدفن:

متأسفانه هیچ کتیبه، سند و نوشته‌ای که به صاحب آرامگاه اشاره داشته باشد، شناسایی نشده است. اهالی محل بنا را مقبره یکی از نوادگان حضرت موسی بن جعفر می‌دانند و برای آن اهمیت خاصی قائل هستند. در داخل بنا زیارت‌نامه‌ای به خط نسخ بر روی چوب نوشته شده که محتوای آن چنین است: «بسم الله الرحمن الرحیم - السلام علیک ایها السید العابد - السلام علیک ایها السید الصالح - السلام علیک ایها السید السند - السلام علیک ایها السید لامجد الممجد - السلام علیک ایها السید التقی الزکی - السلام علیک یا عقیل ابن

امیرالمؤمن ارجون لی شفاعه، السلام علیک و علی ابابک و اجدادک جمیعاً و رحمه‌الله و برکاته» (نیکزاد، ذات‌اله و عیسی اسفنجاری. ۱۳۸۴: ۹۲-۴۹۱). البته این امکان وجود دارد که بنای امامزاده عقیل همانند گنبد علویان، گنبد سرخ، برج‌های آرامگاهی خرقان و موارد مشابه دیگر، مدفن یکی از حاکمان محلی در دوره سلجوقی بوده باشد. مطالعه آماری بناهای آرامگاهی سده‌های نخستین اسلامی و نیز نمونه‌های دوره سلجوقی نشان می‌دهد که بیشتر بناهای باقی‌مانده در مناطق مختلف ایران، برای حاکمان و شاهزادگان ساخته شده است (محمدی، ۱۳۹۱).

نتایج کاوشهای باستان‌شناسی

در سال ۱۳۸۴ مهدی بیگ‌محمدپور از طرف سازمان میراث فرهنگی در این محوطه به مدت یک فصل به کاوش پرداخت (بیگ‌محمدپور، ۱۳۸۴). این کاوش به منظور آزادسازی بنا از رسوبات پیرامون و نیز شناخت آن صورت گرفت. بر اساس نتایج بدست آمده، به نظر می‌رسد بنای امامزاده عقیل در دوره سلجوقی و در میان بافت مسکونی ساخته شده است. همچنین با توجه به تزیینات نمای غربی بنا، به نظر می‌رسد در روند ساخت و تزیین بنا وقفه‌ای ایجاد شده و یا اینکه طرح اولیه در زمینه تزیین بنا، بطور کامل اجرا نشده است. در مرحله بعد که با توجه به سفالینه‌های مکشوفه با دوره ایلخانی مطابقت دارد، یک فضای الحاقی مستطیل شکل (و احتمالاً فضاهای دیگر که در طی زمان از میان رفته‌اند)، در جانب شرقی بنای اصلی ساخته می‌شود. با توجه به شواهد موجود به نظر می‌رسد، محوطه تاریخی امامزاده عقیل بعد از دوره ایلخانی متروک شده و فضاهای پیرامونی امامزاده تخریب می‌شوند و ساکنان به محل کنونی شهر یاسوکند نقل مکان می‌کنند.

مقایسه و تاریخ‌گذاری

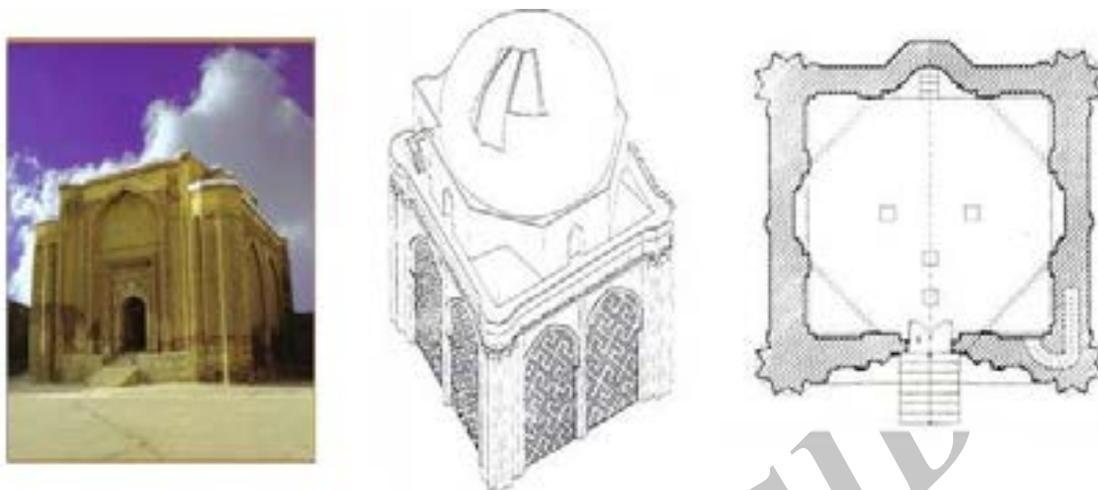
در گستره جغرافیایی ایران و مناطق پیرامون، گنبد‌های آرامگاهی زیادی وجود دارند که از جهات مختلف با بنای امامزاده عقیل قابل مقایسه‌اند. با این حال در اینجا تنها به سه بنای گنبد علویان همدان، گنبد پیر تاکستان و گنبد سرخ مراغه که بیشترین قرابت زمانی و جغرافیایی را با بنای مورد بحث دارند، می‌پردازیم. از میان سه بنای فوق، گنبد علویان (شکل ش ۱۰) از نظر جغرافیایی، قرابت بیشتری با امامزاده عقیل دارد. این بنا در جانب جنوب‌غربی شهر همدان و مجاور بلوار علویان واقع شده و فاقد کتیبه‌ای است که به تاریخ ساخت آن اشاره کند از این رو در خصوص تاریخ ساخت آن اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از محققان از جمله آرتور پوپ (۱۳۶۵: ۱۵۲)، مینورسکی و... معتقدند که بنا مربوط به دوره سلجوقی و قرن ۶ هجری است. در مقابل برخی دیگر از جمله هرتسفلد و دونالدویلبر بر این باورند که بنا از ساخته‌های دوره ایلخانی است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۴). لیکن شواهد تاریخی و نوع معماری بنا گویای این است که بنای اصلی گنبد علویان به

احتمال زیاد متعلق به دوره سلجوقی و قرن ششم هجری بوده و مشابهت‌های آن از نظر معماری و تزیینات به بناهای دوره سلجوقی؛ چون گنبد سرخ مراغه (گدار، ۱۳۶۷: ۲۹۶-۲۸۶) و مسجد حیدریه قزوین (گلریز، ۱۳۶۸: ۵۶۶-۵۶۱)، این ادعا را تایید می‌کند. البته قابل ذکر است که در دوره ایلخانی تعمیرات و تزییناتی در این بنا صورت گرفته است. در خصوص صاحب یا صاحبان آرامگاه نیز مدرک مستندی در دست نیست. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته ظاهراً این بنا مدفن تعدادی از بزرگان خاندان علویان همدان است. با توجه به اطلاعات تاریخی موجود، خاندان علویان از اوایل سده سوم هجری تا سال ۶۲۰ هجری قمری مقام ریاست شهر همدان را عهده‌دار بودند (نظری ارشد، ۱۳۸۱: ۶۲-۷۳).

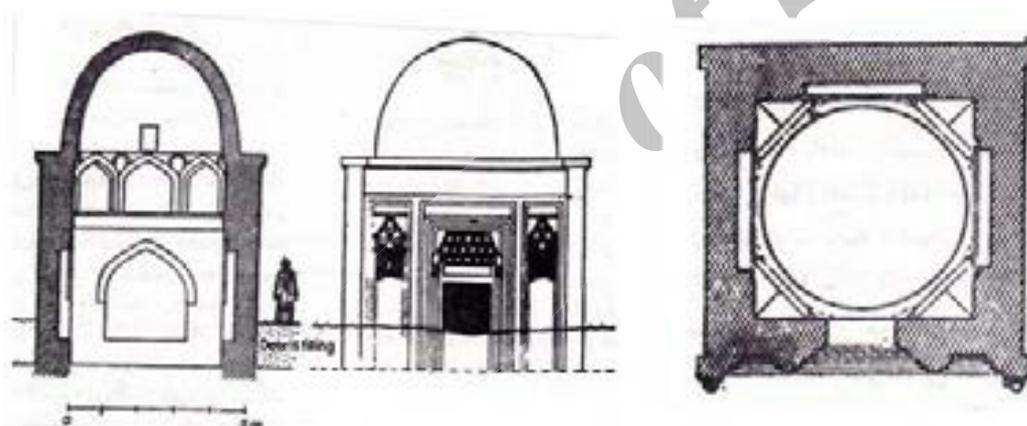
گنبد علویان با طرح مربع، به ابعاد بیرونی $۱۳/۵ \times ۱۳/۵$ و ابعاد داخلی ۹×۹ متر ساخته شده و ارتفاع باقی‌مانده آن $۱۲/۵$ متر است (شکل ش ۱۰). پوشش گنبدی این بنا که در گذشته ویران شده، در سال ۱۳۱۷ شمسی با پوششی از چوب و شیروانی جایگزین شده است. بنا بصورت دو طبقه ساخته شده که طبقه زیرین آن سرداب یا مدفن و طبقه فوقانی آن فضای گنبدخانه را شکل می‌دهد. ورودی بنا همانند گنبد سرخ مراغه، در جبهه شمالی بنا قرار گرفته است (همان: ۷۶). نمای خارجی بنا با قاب‌بندی و طرحهای آجرکاری نماسازی شده است. گوشه‌های بنا به شکل ستون‌های آجری با پوسته ستاره‌ای شکل در آمده است. نمای ورودی بنا به شکل ویژه‌ای کار شده اما سه ضلع دیگر هرکدام با دو طاقنمای آجرکاری شده نماسازی شده است.

گنبد علویان از نظر طرح معماری، نماسازی و تزیینات آجرکاری با دیگر بناهای آرامگاهی قرن ششم هجری از جمله گنبد سرخ مراغه و نیز گنبدخانه‌های حیدریه قزوین، گنبدخانه سلجوقی مسجد جامع قزوین (ملازاده، کاظم و مریم محمدی، ۱۳۷۹: ۱۸۲) و همچنین امامزاده عقیل یاسوکند قابل مقایسه است.

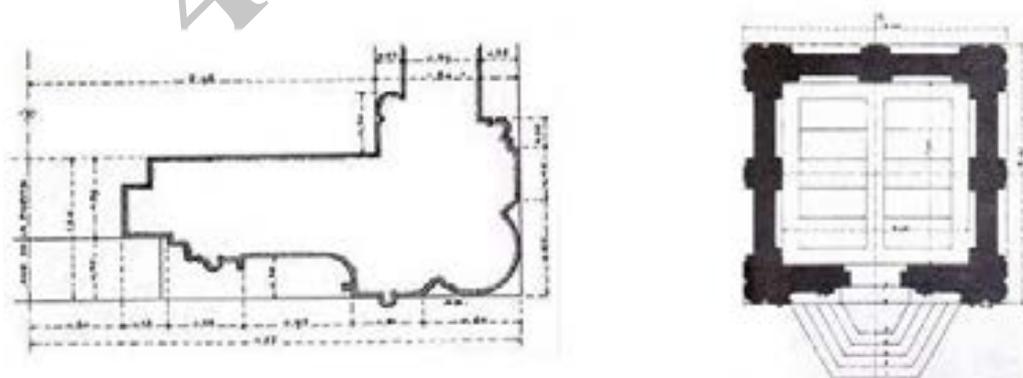
بنای قابل مقایسه دیگر بقعه پیر یا گنبد پیر تاکستان است که در مجاورت قبرستان شهر تاکستان واقع شده (شکل ش ۱۱) و با توجه به سبک معماری و تزیینات، از آثار شاخص دوره سلجوقی به شمار می‌آید (ورجوند، ۱۳۴۹: ۹۱-۳۸۵؛ گزارشهای باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۵۴: ۲۴۵). این بنا با طرح مربع، به ابعاد خارجی $۶/۵ \times ۶/۵$ متر و ابعاد داخلی $۴/۴۰ \times ۴/۴۰$ متر ساخته شده و با گذشت زمان بخش‌هایی زیادی از آن ویران و در دوره اخیر تعمیر و مرمت شده است. در حال حاضر تنها ضلع بنا که نماسازی و تزیینات کهن خود را حفظ نموده، نمای ورودی بناست. نمای مذکور با سه طاقنمای مستطیل‌شکل نماسازی شده است. طاقنمای میانی بزرگتر بوده و درگاه ورودی در میانه آن و قاب‌بندی‌های متعدد تعبیه شده است. آجرکاری این نما همانند بنای امامزاده عقیل با بندهای تزیینی مزین شده که بقایای آن برجای مانده است. پوشش گنبدی و یک پوسته بنا در گذشته ویران شده و در دوره اخیر بازسازی شده است. این گنبد در داخل به کمک چهار فیلیپوش و طاقنماهای اضلاع و سپس با اجرای کاربندی یا طاقنماهایی، برپا شده است. در داخل طاقنما و فیلیپوش‌ها نیز به کمک آجرچینی، طرحهای هندسی ایجاد کرده‌اند.



شکل ۱۰) گنبد غلویان، نقشه، نما و مقطع (نظری ارشد. ۱۳۸۱)



شکل ۱۱) بقعه پیر تاکستان، نقشه، نما و مقطع (ملازاده و محمدی. ۱۳۷۸)



بقعه پیرتاکستان از نظر طرح معماری، نماسازی و تزیینات آجرکاری، نوع پوشش و فقدان طبقه زیرین قابل مقایسه با بنای امامزاده عقیل است و احتمالاً با آن همزمان است.

سومین بنای قابل مقایسه گنبد سرخ مراغه است که در جانب جنوب غربی شهرستان مراغه واقع شده (شکل ش ۱۲) و بر اساس کتیبه تاریخی موجود، در دوره سلجوقی و به سال ۵۴۲ هجری ساخته شده و مدفن یکی از اتابکان آذربایجان در دوره سلجوقی است (گذار، ۱۳۶۷: ۹۶-۲۸۶؛ ملازاده، کاظم و مریم محمدی، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۵). گنبد سرخ با طرح مربع به ابعاد بیرونی $۸/۴۰ \times ۸/۴۰$ متر و ابعاد داخلی $۵/۹۵ \times ۵/۹۵$ متر ساخته شده و سردابی در قسمت زیرین دارد. ازاره بنا و سرستون‌های زوایا با سنگ تراشیده و دیواره‌های اصلی بنا با آجر سرخ‌رنگ ساخته شده است. با توجه به بقایای موجود، بنا از بیرون دارای گنبدی هرمی و هشت‌وجهی بوده که با گذشت زمان ویران شده است. بغیر از نمای شمالی و اصلی بنا که درگاه در آن تعبیه شده و تقسیمات سه‌قسمتی دارد، سه ضلع دیگر با تقسیمات دو قسمتی، توسط طاقنماهایی نماسازی شده و تماماً با آجرکاری، کتیبه‌نگاری و مقداری کاشیکاری مزین شده‌اند. چهار گوشه بنا همانند بنای امامزاده عقیل، با ستون‌نما نماسازی شده‌اند. درگاه ورودی که چهارچوبی با ابعاد متناسب آن را در بر گرفته، دارای سرتاقی مزین به اربسک‌هاست که کتیبه‌ای به خط کوفی آن را دور زده است. بالای سرتاق درگاه، کتیبه دیگری به خط کوفی دیده می‌شود.

گنبد سرخ مراغه از نظر طرح و ابعاد معماری، نماسازی و استفاده از ستون‌نماها، تزیینات آجرکاری، ازاره سنگی و کتیبه‌های کوفی با بنای امامزاده عقیل قابل مقایسه است؛ هرچند تفاوت‌هایی نیز در این میان وجود دارد که می‌تواند ناشی از اهمیت و جایگاه شخص مدفون در گنبد سرخ، اهمیت شهر مراغه و موارد دیگر بوده باشد.

بنای امامزاده عقیل از طرف دیگر با گنبدخانه‌های سلجوقی مسجد جامع قزوین (ملازاده، کاظم و مریم محمدی، ۱۳۷۹: ۱۸۲) و مسجد و مدرسه حیدریه قزوین (گلریز، ۱۳۶۸: ۵۶۶-۵۶۱) قابل مقایسه است. از این رو، بر اساس سبک معماری می‌توان آن را مربوط به دوره سلجوقی و اواسط یا اواخر قرن ۶ هجری قمری دانست. از طرف دیگر سفالینه‌های بدست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی نیز این تاریخ‌گذاری را تایید می‌کنند. همچنین متون تاریخی و جغرافیای تاریخی حکایت از آن دارند که کردستان در دوره سلجوقی و قرن ۶ هجری قمری از رونق و آبادی بسیار برخوردار بوده و عایدات فراوانی داشته است (لسترنج، ۱۳۶۴: ۲۰۵-۲۰۴). از این رو وجود چنین بنای ارزشمندی در این دوره، دارای توجیه تاریخی است.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم کمبود منابع و گزارش‌های تاریخی، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که کردستان در دوره سلجوقی از آبادی و اهمیت بسیار بیشتری، در مقایسه با دوره‌های بعد، برخوردار بوده است. در چنین شرایطی وجود مراکز استقرار بزرگ، حداقل در مناطق شرقی این استان که شامل دشتهای وسیع و کانال‌های ارتباطی

مناسب‌تری است، منطقی به نظر می‌رسد. محوطه تاریخی و بزرگ یاسوکند، احتمال دارد بقایای یکی از این مراکز باشد. متأسفانه اشارات تاریخی موجود، فاقد جزئیاتی هستند که بر اساس آن بتوان به جایی این شهرهای مذکور در منابع تاریخی و تعیین هویت تاریخی محوطه های موجود اقدام کرد. بهر حال نتایج کاوش‌های صورت گرفته، نشان می‌دهد که محوطه یاسوکند در دوره سلجوقی مرکز استقرار بزرگی بوده و استقرار در آن حداقل در دوره ایلخانی نیز ادامه یافته است.

در اواسط یا نیمه دوم قرن ۶ هجری که مصادف با دوره سلجوقی و آبادانی اصلی یاسوکند است، بنای امامزاده عقیل در مرکز این محوطه و به تاثیر از سبک معماری و تزئیناتی که بعد از برآمدن سلجوقیان، در گستره وسیعی از ایران رواج یافته بود، ساخته می‌شود. ویژگی‌های معماری این بنا، آن را در قالب گونه آرامگاهی «چهار گوش گنبد دار» (در مقابل گونه «برج‌های آرامگاهی») قرار می‌دهد و نزدیکترین نمونه‌های قابل مقایسه با آن (از نظر جغرافیایی، زمانی و ویژگی‌های معماری) گنبد علویان، گنبد سرخ و پیر تاکستان است. البته گنبدعلویان و گنبد سرخ با توجه به اینکه در مراکز بسیار مهمتر، و احتمالاً برای اشخاص بلند مرتبه ساخته شده‌اند، از نظر دارا بودن سردابه و جزئیات معماری دیگر، تفاوت‌هایی به بنای امامزاده عقیل دارند، که طبیعی به نظر می‌رسد.

متأسفانه فقدان کتیبه تاریخی امکان نتیجه‌گیری در ارتباط با هویت صاحب مدفن را فراهم نمی‌کند. اما همان گونه که در مقاله بیان شد، مطالعه آماری بناهای آرامگاهی سده‌های نخستین اسلامی و اوایل دوره سلجوقی، نشان می‌دهد که بیشتر بناهای باقی‌مانده، محل دفن حاکمان و شاهزادگان بوده است و از دوره سلجوقی به بعد است که تعداد آرامگاه‌های ساخته شده بر مزار امامزادگان و بزرگان دینی، فزونی می‌گیرد. همچنین از آنجا که منطقه (حداقل با توجه به مدارک تاریخی) از مراکز مهم مذهبی به شمار نمی‌آمده و مستقیماً در مسیر راه‌های مهم ارتباطی قرار نداشته، تدفین غیرمذهبی در آن محتمل‌تر است. از طرف دیگر ابعاد قابل توجه و تزئینات غنی بنا، حکایت از جایگاه اجتماعی-سیاسی و اهمیت صاحب مدفن دارد.

منابع:

- «آثار تاریخی در پناه قانون: برج اوشقون بابا» (۱۳۶۴)، فصلنامه اثر، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۲۱۴
- بیگ‌محمدپور، مهدی (۱۳۸۴). «گزارش فصل اول کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه تاریخی امامزاده عقیل یاسوکند»، کتابخانه و مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی استان کردستان
- پوپ، آرتور اِبهام (۱۳۶۵). «معماری ایران: پیروزی شکل و رنگ»، کرامت‌الله افسر، تهران، فرهنگسرا
- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱). «سیمای کردستان»، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور
- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۵). «میراث باز یافته»، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان
- گذار، آندره (۱۳۶۷). «آثار ایران»، ج ۳، ابوالحسن سروقد مقدم، تهران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- «گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران» (۱۳۵۴)، هیات باستان‌شناسی آلمان، ترجمه سروش حبیبی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- گلریز، محمد علی (۱۳۶۸). «مینودر؛ باب‌الجنه»، ج ۱، تهران، طه،

لسترنج (۱۳۶۴). «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»، ج ۲، محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی
محمدی، مریم (۱۳۸۸). مطالعات میدانی

محمدی، مریم (۱۳۹۱). «بررسی علل و عوامل تجدید حیات سنت معماری دوره ساسانی در معماری سده‌های ۳ تا ۵ دوره
اسلامی»، رساله دکتری رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی
ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۷۸). «بناهای آرامگاهی»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر،

چ ۲

ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۷۹). «مساجد»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر، چ ۲
نیکزاد، ذات‌اله و عیسی اسفنجاری (۱۳۸۴). «پژوهش معماری آرامگاه تاریخی حسن‌آباد یاسوکنند بیچار امامزاده عقیل»، در
«مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ارگ بم ۱۳۸۳)»، ج ۱، تهران، سازمان میراث فرهنگی و
گردشگری، صص ۴۸۳-۵۱۹

نظری‌ارشد، رضا (۱۳۸۱). «بناهای آرامگاهی شهر همدان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات دانشگاه

تهران

ورجاوند، پرویز (۱۳۴۹). «سرزمین قزوین»، تهران، انجمن آثار ملی

ویلبر، دونالد (۱۳۶۵). «معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان»، عبدالله فریار، تهران، علمی و فرهنگی

هیلن‌براند، رابرت (۱۳۷۹). «معماری اسلامی»، ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری

Archive of SID